

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

## چکیده بحث گذشته

روایات مربوط به بحث انتفاع از میته – روایات مانعه و روایات مجوزه – را ملاحظه فرمودید، و نیز وجوهی را که برای جمع بین این دو طایفه ذکر شده و آنچه که ما اختیار کردیم را ملاحظه فرمودید .

## بررسی اجماع در مسئله

نکته ای که در اینجا هست این است که آیا اجماعی در کلمات قدماء فقها و متقدمین از فقها، بر عدم جواز انتفاع از میته وجود دارد یا نه؟ اینجا برخی ادعای اجماع کرده اند.

## فرمایش مرحوم امام(ره)

این بحث را انصافاً امام(ره) در مکاسب محرمة خوب بحث کرده اند – فقاها و عظمت فقاها امام(ره) در کتاب مکاسب محرمة و کتاب البیع و کتاب خیارات امام برای افراد روشن می شود . ولو اینکه کتابهای دیگر امام هم در یک مستوای بسیار بالایی است – ایشان بعد از اینکه روایات را ذکر کرده اند فرموده اند: **نعم ما يمنعنا عن الجرأة الي الذهاب الي الجواز، هو دعاوي الاجماع، و عدم الخلاف و عدم وجدان و الشهرة في المسئلة،** می فرمایند آنچه که ابتدا مانع می شود از اینکه ما فتوای بر جواز دهیم و لو این روایات مجوزه روایات خوبی هم بود اما در کلمات فقها برخی ادعای اجماع، برخی ادعای عدم الخلاف و برخی ادعای عدم وجود الخلاف کرده اند و برخی هم در این مسئله ادعای شهرت داشتند بر اینکه انتفاع بر میته مطلقاً جایز نیست . و می فرمایند اهم این کلمات کلامی است که ابن ادریس در کتاب سرائر دارد.

## کلام ابن ادریس(ره)

ابن ادریس بعد از اینکه صحیحہ بزنی را نقل می کند می فرماید: این حدیث، حدیث صحیحہ است و دلالت روشنی دارد بر اینکه انتفاع به میته جایز است اما « لا يلتفت الي هذا الحديث فانه من نوادر الاخبار »، اولاً از اخبار نادره است، والاجماع منعقد علي تحريم الميتة و التصرف فيها بكل حال الا اكلها للمضطر، اجماع بر حرمت میته و تصرف در میته به هر نحوی قائم است،

تنها چیزی که در میته استثناء شده است اکل میته، آن هم برای صورت اضطرار است. ابن ادریس گفتم اولاً صحیحه بزنی از اخبار نادره است و ثانیاً اجماع داریم بر اینکه استفاده از میته جایز نیست به هیچ نحوی .

## کلام شهید ثانی(ره)

باز هم مرحوم شهید ثانی در کتاب مسالک فرموده **عدم جواز الانتفاع بالیات الميته موضع وفاق** ، اینکه عدم انتفاع به الیات میته – یعنی در زمانی که گوسفند زنده است این الیات را می برند – فرموده این عدم انتفاع، موضع وفاق است .

## کلام صاحب مفتاح الکرامه

کلام سوم در کتاب مفتاح الکرامه که از مرحوم محقق و علامه و شهید اول و شهید ثانی و از فاضل هندی نقل کرده که این فقها از کسانی هستند که انتفاع به میته را جایز نمی دانند . بعد که از این فقها نقل کرده است فرموده «**وهو قضیه کلام الباقین**» ، مقتضای کلام بقیه فقها همین است، یعنی فقهایی دیگر ولو تصریح به این نکرده باشند که انتفاع به میته جایز است یا نه، اما مقتضای کلامشان این است؛

می فرماید: و **ذلک لوجهین** ، از دو راه می فهمیم فقهایی دیگر انتفاع به میته را جایز نمی دانند؛ **احدهما ان مفهوم اللقب معتبر اجماعاً فی عبارات الفقهاء** ، این مطلب جدیدی است که اصولیین وقتی به بحث مفاهیم می رسند خیلی همت کنند مفهوم شرط را تا حدی بپذیرند، اما از چیزهایی که مسلم می گویند مفهوم ندارد مفهوم لقب است، اگر گفتید «**جاء زید**» . زید آمد، این معنایش این نیست که عمر نیامد، آن وصف غیر معتمد بر موصوف معمولاً در اصطلاح اصولیین تعبیر به لقب می شود، یا «**جاء عالم**» معلوم نیست که جاهل نیامد . می فرمایند وقتی ما به کلمات فقها مراجعه می کنیم همین فقهایی که در بحث مربوط به لقب می گویند لقب مفهوم ندارد، اما در عبارات فقها برای لقب مفهوم می گیرند؛ اگر گفتند **يجوز اكله للمضطر** ، می گویند پس معنایش این است که غیر از این جایز نیست. اگر در باب میته گفتند فقط اکلش برای مضطر جایز است اما راجع به غیر از آن حرفی نزدند، معنایش این است که غیر از او جایز نیست.

این یک وجه. بعد صاحب مفتاح الکرامه فرموده – تمام اقوال در هر مسئله ای را در این کتاب مفتاح الکرامه ذکر کرده است – **انما مفهوم اللقب معتبر فی عبارات الفقهاء و به یثبت الوفاق و الخلاف** ، از راه مفهوم لقب می توانیم موافقت و مخالفت را استفاده کنیم .

**راه دوم : الثاني ملاحظه السوق والقرائن** ، از راه قرائن و سیاق می توانیم استفاده کنیم . بالاخره مفتاح الکرامه از مرحوم محقق و علامه و شهید اول و ثانی و فاضل هندی نقل کرده است که انتفاع به میته مطلقاً جایز نیست . قول بقیه فقها را اجتهاداً می خواهد بدست بیاورد، تقریباً میشود اجماع اجتهادی، لذا این کلام مفتاح الکرامه را نمی شود خیلی اعتنا کرد چون اجماعی که اینجا ادعا می کند یک اجماع اصالتی نیست بلکه یک اجماع اجتهادی است و فایده ای ندارد . پس ابن ادریس تصریح به اجماع کرده است شهید ثانی هم تصریح به اجماع کرده اما اجماع مفتاح الکرامه یک اجماع اجتهادی است.

## فرمایش مرحوم شیخ طوسی(ره)

در کتاب رهن خلاف مرحوم شیخ طوسی فرموده **اذا كان الرهن شاة فماتت** ، اگر کسی گوسفندی را به عنوان رهن قرار داد و آن گوسفند مرد، **زال ملک الراهن عنها** ، دیگر ملک راهن از این گوسفند زایل می شود و رهن هم منفسخ می شود، بعد فرمود: **دلینا اجماع الفرقه علی ان جلد الميته لا يطهر بالدباغ**، فرموده در نزد امامیه جلد میته با دباغی پاک نمی شود و نجس می شود. وقتی نجس شد اگر قابلیت انتفاع داشته باشد نباید رهن منفسخ شود و نباید ملکیت راهن از بین برود، همان طوری که اگر راهن، گوسفند را پیش مرتهن گذاشت و مرتهن ذبح کرد، اینجا نمی شود گفت تلف شده و از ملک راهن خارج شده، همین گوسفند ذبح شده کلی منفعت دارد و ملک برای راهن است.

پس اینکه مرحوم شیخ(ره) می گوید ملک راهن از او زایل می شود، و رهن منفسخ می شود این کشف از این می کند که اصلاً قابلیت انتفاع به هیچ وجهی را در نظر شیخ ندارد والا اگر قابلیت انتفاع داشت باید ملکیت باقی باشد . در بعضی از کتب دیگر فقهی هم تعبیر به اینکه اعیان نجسه مطلقاً محرمة الانتفاع است دیگر استثنا نکرده اند این انتفاع مانعی ندارد، گفته اند محرمة الانتفاع است و به صورت کلی حرمت انتفاع را ذکر کرده اند .

## عبارت نهاییه

در کتاب صید و ذباحتیه نهاییه آمده **وما لم یذکّر ومات لم یجز استعمال جلدیه فی شیء من الاشیاء**، فرموده است آن حیوانی که تذکیر نشد و مرد، استعمال پوست او اصلاً جایز نیست، لاقبل الدباغ و لا بعده، نه قبل از دباغی شدن و نه بعد از دباغی شدن. در کتاب مکاسب نهاییه دارد: **وبیع الميته والدم ولحم الخنزیر وما أهل لغير الله به والتصرف فيه والتکسب به حرام محظور - یعنی ممنوع - ولا یجوز التصرف فی شیء من جلود الميته**، تصرف در هیچ چیز از جلود میته جایز نیست «**ولا التکسب بها**»، **تکسب به جلود میته جایز نیست، علی حال**، در هیچ حالی. اینجا چون کلمه تکسب بعد از تصرف آمده معلوم می شود که **ولا یجوز التصرف** ، مراد مطلق انتفاع است، **لا یجوز التصرف یعنی هر انتفاعی به جلود میته جایز نیست** .

## کلام صاحب جواهر(ره)

صاحب جواهر در جلد 22 جواهر این عبارت را دارد. **لا یجوز الانتفاع بشیء منها مما تحله الحیات**، انتفاع به شیئی از میته که حیات در آن حلول کرده است جائز نیست، فضلاً عن التکسب، تا چه برسد به اینکه بگوییم معامله ای روی آن انجام شود، سواء کانت میته نجس العین، یا میته نجس العین باشد، او طاهرها، مثل خنزیر باشد یا طاهر العین باشد و از نفس سائله باشد.

## نتیجه نقل اقوال علماء

اینها کلماتی از فقها است که قائلند به اینکه تصرف به میته جایز نیست بعضی از آنها ادعای اجماع هم کرده اند و بعضی به صورت قطعی ذکر شده است. ذکر این کلمات برای این است که اگر ما نتوانستیم اجماعی بر این مسئله بدست بیاوریم، در مرحله بعد ببینیم آیا می توانیم شهرتی را بر مسئله بدست بیاوریم یا نه؟ شیخ طوسی و مرحوم علامه و مرحوم محقق و شهید اول و شهید ثانی و فاضل هندی می گویند انتفاع به میته مطلقاً جایز نیست . اما در مقابل اینها، برخی قائلند به اینکه انتفاع از میته جایز است.

## فرمایش شیخ صدوق(قده)

مثلاً مرحوم صدوق در کتاب مقنع فرموده: **ولا بأس أن تتوضأ من الماء إذا كان في زق من جلد ميتة** ، می توانی وضو بگیری از آبی که در زق است - ظرفی که آب در آن جمع می کنند - اگر این زق از جلد میته باشد، و لا بأس أن تشربه، اگر آب هم از آن بخوری مانعی ندارد. مرحوم صدوق در من لا یحضره الفقیه - شیخ صدوق(ره) در اول من لا یحضر فرموده من این روایات را که می آورم نه به قصد صاحب کتابهای دیگر که روایات را جمع می کنند، من قصد نقل روایات نیست، قصد روایاتی است که می خواهم بر طبق آن روایات فتوا بدهم، - عبارت من لا یحضر این است که فرموده: **لم أقصد فيه قصد المصنفين في إيراد جميع ما رواه، بل قصدت الي إيراد ما أفتي به واحكم بصحته واعتقد فيه انه حجة بيني وبين ربي** - روایتی را در این کتاب از امام صادق(ع) نقل می کند که حضرت فرموده: می توانید شیر و آب را در ظرفی که از جلد میته درست شده است قرار دهید.

## اشکالی بر شیخ صدوق(ره)

نکته ای که وجود دارد این است که مرحوم صدوق به این عهده که در اول کتاب کرده است در بعضی از مواضع این کتاب وفا نکرده است و اینطور نیست که هر روایتی که نقل کرده بر طبق آن فتوا داده است. اینجا هم یکی از آن موارد است مخصوصاً اینکه میته عنوان نجس را دارد.

## کلماتی از سایر علماء در جواز انتفاع از میته

و در کتاب تهذیب، شیخ روایتی را نقل کرده که دلالت بر جواز دارد. مرحوم محقق در شرایع - ولو اینکه قبلاً گفتیم جزو مانعین است اما - در اطعمه و اشربه فرموده **ویجوز الاستسقاء بجلود الميتة و ان كان نجسا و لا یصلی من مائها**، اینکه آب را در جلود میته بریزیم و پای درختان بریزیم و یا به حیوانات بدهیم جائز است، اما از ماء آن به عنوان نماز نمی توان استفاده کرد، بعد فرموده: **وترک الاستسقاء افضل**. مرحوم علامه در کتاب قواعد تصریح کرده به جواز وضو از حوضی که از جلد میته درست شده است، منتهی کریت را قید کرده است و فرموده اگر حوضی باشد از جلد میته و به اندازه ای باشد که آب کر در آن قرار بگیرد وضو در آن اشکال ندارد. شاید آن بیانی را که مرحوم صدوق داشت که اگر در جلد میته باشد، مقصود مقداری باشد که کر باشد، چون اگر کر باشد آب نجس نمی شود.

## چکیده بحث تا اینجا

اینها کلمات فقها در این بحث است. پس عده ای از فقها هم ادعای اجماع کرده اند و هم تصریح کرده اند مثل صاحب جواهر که فرموده **لا یجوز الانتفاع بشيء**، در مقابل عده دیگری می گویند انتفاع جایز است. اولاً ما نتیجه می گیریم اجماعی وجود ندارد. ثانیاً اگر اجماع وجود داشته باشد این اجماع مدرکی است. یعنی مرحوم صدوق و دیگر علماء روی روایاتی که وارد شده این فتوای بر جواز را داده اند و مانعین، به استناد روایات، بعضی روایات مجوزین را حمل بر تقیه کرده اند و بر حسب روایات مانعه فتوای به منع داده اند. لذا این اجماع بر فرض وجود، اجماع مدرکی می شود.

## نظر مرحوم امام(ره)

امام(رض) بعد از نقل عبارات فرموده **فالأشبه الجواز والاحوط الترك**، اشبه عبارت از جواز است و احوط ترک است. این اشبه یعنی اشبه به چه چیز؟ در مکاسب هم خوانده اید «**اشبه**» فتوا است. از تعبیری که دلالت بر فتوا دارد، «اشبه» است. اینجا اشبه به قواعد است اگر بگوییم روایات متعارض است و کلمات فقها مختلط است، اشبه به قاعده اولیه **کل شیء لک حلال** جواز است. وجه دوم برای بیان اشبه این است که اشبه به قواعد است - قواعد این بود که ما دو دسته روایات داریم و روایات مجوزه بر روایات مانعه یا حاکم است و یا مخصص آن روایات است - حالا که قاعده این اقتضا را دارد پس اشبه به قاعده، جواز است اما احتیاط ترک است. این احتیاط استحبابی است.

## استفاده از شهرت بر منع از کلمات علماء

اما یک نکته باقی می ماند و آن این است که بعید نیست که از کلمات فقها شهرت بر منع را استفاده کنیم. مبنای خود امام(ره) این است که اگر دو طایفه روایات با هم متعارض بودند، آن روایاتی که شهرت فتوائیه با آن روایات است مقدم می شود.

## سؤال از امام(ره)

اگر کسی از امام(ره) سوال کند که شما در باب تعارض روایات آن روایاتی را که مضمونش با شهرت فتوائی نزدیک است مقدم می کنید، یعنی در باب مرجحات اولین مرجح شهرت فتوائی است. - روی مبنای امام(ره) و والد بزرگوار ما و مرحوم آقای بروجردی و برخی از بزرگان - و بپذیریم که در ما نحن فیه اگر اجماع بر منع نداریم اما شهرت بر منع داریم. پس چرا روایات مانعه را مقدم نمی کنید. طبق این دو مطلب باید آنها را مقدم کنید.

## جواب امام(ره)

جواب این است که بر فرض اینکه ما شهرت فتوائیه هم داشته باشیم، چون بین دو دسته روایات تعارض نیست، وقتی می گوییم روایات مجوزه حاکم است یعنی تعارضی وجود ندارد، پس قاعده اقتضا می کند که ما به روایات مجوزه عمل کنیم ولو شهرت فتوائی باشد. این نکته مهمی است؛ مثلا در جاهایی داریم که با اینکه شهرت فتوائی وجود دارد ولی امام(رض) بر طبق شهرت فتوائی نظر نداده اند.

## نظر استاد در انتفاع از میته

انصاف این است که در نتیجه مطلب، باید عین فرمایش امام را گفت. یعنی آنچه که انسان از نظر اجتهادی می تواند به آن برسد همین «**الاحوط الترك به نحو احتیاط استحبابی والأشبه بالقواعد الجواز**». نتیجه این شد که **انتفاع به میته مطلقا جایز است**، و عرض کردم که این مطلب مبتنی به است و این پیوندهای قلب و کلیه و دست و ... تماما از مصادیق انتفاع به میته است. و انتفاع به میته مانعی ندارد و بحث بعدی معامله روی میته است. که جلسه بعد عرض خواهم کرد.

و صلى الله على سيدنا محمد و آله اجمعين.